

# پنج سوالی که ترامپ در باره افغانستان با آن روبرو است

سرمقاله

## سکوت ستره محکمه و بن بست سرپرستی

محمد رضا هویدا

سلب صلاحیت چندین وزیر از سوی پارلمان در ماه گذشته، حکومت و پارلمان را در مقابل هم قرار داد. وزرای سلب صلاحیت هنوز به عنوان سرپرست به کارشان ادامه می دهند، و حکومت نیز منتظر اظهار نظر ستره محکمه در قبال این موضوع می باشد. تا هنوز حکومت و پارلمان هیچ یک از موضع شان کوتاه نیامده اند و منتظر اظهار نظر ستره محکمه هستند. به نظر می رسد ستره محکمه هنوز هم نتوانسته نظر خود را ابراز کند. بن بست به وجود آمده در مورد کابینه در این روزها تحت الشعاع مسایل حاد و چنجال برانگیز دیگری قرار گرفته است، اما ادامه این وضعیت برای حکومت و پارلمان سخت و غیر قابل تحمل خواهد بود. هر دو طرف یکدیگر را به نقض قانون و منافع ملی کشور متهم می کنند و خواستار توجه طرف مقابل به خواست شان می شوند. در گذشته نیز کابینه دوره های طولانی و فرساینده سرپرستی را تجربه کرده است.

ستره محکمه که اکنون توجه ها را به خود جلب کرده، باید نظر خود را در اسرع وقت اعلان نماید. در شرایط فعلی که افغانستان از بحران مشروعیت در موارد زیادی رنج می برد، ابراز نظر ستره محکمه شنبه نیاز است. نظر ستره محکمه هر چه که باشد، چه به نفع حکومت و چه به نفع پارلمان، اما یک موضوع جنجالی را که در تاریخ افغانستان بی سابقه نبوده را روشن می کند. روشن شدن این موضوع برای مردم افغانستان شدیداً حساس است. در حقیقت سه قوه در یک آزمون بزرگ قرار گرفته اند. اول اینکه قوه قضائیه رای و نظر خود را ابراز کند، دوم که قوه مقننه و اجرائیه که چگونه با نظر رای قوه قضائیه برخورد خواهند کرد.

سکوت قوه قضائیه هر چند با رایزنی های پشت پرده همراه باشد، اما کاری از پیش نخواهد برد و بر میزان مشکل خواهد افزود. این سکوت یک دوره تعلیق و بی سرنوشتی و بی توجهی به کار و اداره امور کشور را در پی دارد. بسیاری از وزارت های که با سرپرست ها اداره می شوند، نسبت به کارشان انگیزه سابق را ندارند و منتظر معلوم شدن وضعیت شان می باشند. در مقابل مردم و دیگر ادارات نیز باید دیگری بیه این گونه ادارات می بندند، مضاف بر اینکه پارلمان همه این ادارات را کاملاً غیر قانونی می خواند.

وضعیت عمومی کشور هرگز ادامه این وضعیت را بر نمی تابد. اوضاع امنیتی با وجود تعدد گزارش هایی که از نفوذ و گسترش فعالیت های گروه های تروریستی از جمله داعش در مناطق مختلف حکایت دارد، جایی برای تامل و اهمال باقی نمی گذارد. اختلافات سیاسی بی تاثیر در گسترش ناامنی ها نبوده و نیست. حکومت بیش از اندازه درگیر در اختلافات سیاسی میان خود قرار داشته و بر پرداختن عملی به تهدیدهای اساسی که بنیانهای حکومت را هدف قرار داده غافل مانده است.

از سوی دیگر حکومت افغانستان اگر نتواند به تعهدات خود در قبال جامعه جهانی عملی نماید، ادامه کمک ها که منوط به برآورد شدن شرایطی از جمله مبارزه جدی با فساد اداری است، رو به کاهش خواهد رفت. که ادامه چنین وضعیتی هرگز به نفع افغانستان نخواهد بود. حکومت بیش از آنکه بتواند به اولویت های خود برسد، به درگیری های میان خود مشغول است. بدیهی است که توان و قدرت حکومت رو به ضعف رفته و مخالفان قدرت بیشتری خواهند یافت.

برای اکنون، قضاوت به دست ستره محکمه است. آنچه این نهاد حکم می دهد، تعیین کننده است. هر چند که به احتمال زیاد حکم ستره محکمه آغاز یک دوره اختلافات و چنجال های شدید دیگر میان دو نهاد اجرائیه و مقننه خواهد بود.

یکی از موارد آزار دهنده در کمپین های انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا در کنار مسایلی چون دروغ و فریبکاری های زنده که در طول ۱۸ ماه کاندیداتورها علیه یکدیگر می کردند ایسن بود، که هیچ کدام از آنها قاطعانه و یا با جزئیات وضعیت نیروهای آمریکایی در افغانستان را بیان نمی کردند. اگر افغانستان بطور مثال در صفحه رادار آمریکایی ها ظاهر شود و رئیس جمهور آمریکا بلافاصله بدانند که کجا و چطور و چقدر صد تن از نیروهایش را بسرای کمک به نیروهای امنیتی افغان بفرستد قابل درک است، اما وقتی افغانستان هرگز در رادار آمریکایی ها ظاهر نشود چه باید کرد، آمریکایی ها وقتی کلمات مانند باتلاق و یا بن بست درباره افغانستان می شنوند، سرنوشت آن را مانند کشور عراق تصور می کنند. در طول پانزده سال گذشته ایالات متحده صدها میلیارد دلار را به افغانستان اختصاص داده است، هزاران آمریکایی به هدف سرکوب شورشیان طالب، شکست القاعده و گروه های اسلام گرای افراطی، آموزش نیروهای امنیتی افغان و ایجاد دولت مرکزی در کابل، چسان خود را از دست دادند. تا امروز اواسط دسامبر سال ۲۰۱۶، تعداد سربازان آمریکایی که کشته شدند به ۲۲۹۲ تن می رسد، ده ها هزار نفر مجروح و نزدیک ۷۰ میلیارد دلار مصرف شده تا نیروهای اردو و پلیس افغان بتوانند در مقابل تهدیدهای مختلف شورشیان از خودشان دفاع کنند. کمتر از یک ماه دیگر دونالد ترامپ سوگند ریاست جمهوری را انجام خواهد داد، زمانی که تیم انتقالی دستور دهد با استفاده از اطلاعات و افراد حرفه ای در امور امنیت ملی که قبلاً در دولت کار می کرده بررسی جامع و سازمانی را درباره سیاست آمریکا در قبال افغانستان را به انجام برسانند. در اینجا پنج سوال برای اداره ترامپ پیش خواهد آمد که با این جنگ طولانی چه کار باید کرد.

سوال اول: تا چه مدتی آمریکا در افغانستان بماند؟ افغانستان طولانی ترین جنگ در تاریخ آمریکاست. جنگ داخلی آمریکا چهار سال طول کشید، جنگ جهانی دوم چهار سال، جنگ ویتنام تقریباً هشت سال، جنگ خلیج در حدود سه ماه و بعدتر از آن جنگ عراق

رونه صلح در افغانستان با گذشت چندین سال هیچ پیشرفتی نداشته است. موضوعی که از ابتدا نگرانی مجامع مدنی و سیاسی را در پی داشت این بود که دولت افغانستان برای پیشبرد روند صلح و مذاکره با طالبان هیچ برنامه منسجم و دقیق و هیچ راهکار عملی ندارد. دولت افغانستان پروسه صلح را با شتاب زدگی و عجله خاصی آغاز نموده که گاه این شتاب زدگی باعث تحقیر و به سرخه گرفتن آن نظیر مذاکره با نماینده جعلی طالبان و پرداخت پول به او، و گاه مایه بروز فاجعه ای بزرگ همانند شهدادت رئیس شورای عالی صلح شده است.

علاوه بر این دولت افغانستان برنامه صلح را به گونه ای آغاز نموده که در آن درک و فهم نظر عموم مردم به خصوص در مورد راهکارهای صلح و در عین حال خواست های گروه های سیاسی که نمایندگی از بخش های عمده ای از شهروندان کشور را می نمایند، به نظر گرفته نشده است. روند صلح با طالبان در نبود برنامه و راهکار عملی و علمی، و از طرفی با نبود زمینه های صلح، و مهمتر از همه آماده نبودن طالبان برای صلح و مذاکره با دولت، از آغاز با تناقض هایی همراه بوده است. شورای عالی صلح که به طور رسمی مسئولیت امور صلح و مذاکره با طالبان را به دوش داشته، نتوانست جایگاه خود را در میان نقش آفرینان داخلی و خارجی دیگر که هر کدام به نوبه خود می خواستند راهی برای صلح با طالبان بیابند، پیدا کند. حکومت افغانستان بارها از طالبان تقاضای حاضر شدن در میز مذاکره را نموده است. جواب طالبان تا هنوز فقط یک چیز و آن هم جنگ با حکومت افغانستان و متحدان بین المللی اش بوده است. اصرار حکومت بر مصالحه با گروهی که خود مکرراً بر ادامه جنگ اصرار نموده اند، اصل مذاکره و صلح را زیر سؤال می برد، چرا که اصولاً مذاکره در حال اعلام جنگ و ادامه درگیری و نبود توافق برای پایان جنگ معنایی پیدا نمی کند. دومین مسئله در روند صلح، این است که حکومت افغانستان تا هنوز نتوانسته طرف صلح را بیابد. بارها از سوی مقامات عالی رتبه دولتی تأکید شده است که

نویسنده: دانیل آردی پتریس / مترجم: جناعلی شکرعلیزاده / منبع: نشنل انترنست



۱۱۵ میلیارد دلار از سال ۲۰۰۲ به بعد به افغانستان کمک کرده است. بیش از ۵۰ میلیارد دلار از سال ۲۰۰۹ تا کنون صرف اردو و پلیس شده است. موجی از دلرهای به کشور فقیر و فاسدی که هیچگونه تجربه در اداره آن پول ها نداشت، کنگره ۴.۲ میلیارد دلار دیگر را هم برای کمک به نیروهای امنیتی به تصویب رسانده است و اوامای اداره ترامپ را ترغیب کرده است که تا سال ۲۰۲۰ در همین سطح افغانستان را کمک مالی نماید. کمک های متحدین آمریکا ناتو در مقایسه با آمریکا کمتر است. در کنفرانس اخیر تابستان امسال کشورهای عضو ناتو موافقت کردند سالانه بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیون دلار از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ به افغانستان کمک کنند. به عبارت دیگر اعضای ناتو به مقدار ۲۱ درصد کمک های آمریکا در افغانستان به این کشور کمک می کند، آیا این مقدار سهم گرفتن در مقایسه با آمریکا عادلانه است؟

سوال سوم: آیا بن بست بهترین گزینه برای افغانستان است؟ از زمانی که سیگار شروع به پیگیری اوضاع نموده است اردو و پلیس افغانستان سخت ترین جنگ ها را با شورشیان داشته است. در هشت ماه اول امسال ۵۵۰۰ سرباز کشته شدند و تقریباً ده هزار نفر مجروح شدند. علیرغم کوشش های آمریکا تعداد

پوسته های پلیس گسترش پیدا کرده است، آمریکاییها معتقد است این پوسته ها کارایی چندانی ندارد و طالبان آسانتر می توانند بر این پوسته ها حمله کنند آنها به این باورند که پوسته های سیار و در حال رفت و آمد بهتر است. مناطق تحت کنترل دولت در ماه می امسال ۶۵.۶ درصد بود در ماه اگوست به ۶۳.۴ درصد کاهش یافت.

ترامپ دوست دارد برنده باشد، دور از انتظار نخواهد بود وقتی به کاخ سفید قدم بگذارد از خزانه دولت و جنرال های خود در پنتاگون بپرسد که چرا واشنگتن خروارها پول را برای مشکلی که به بن بست رسیده است به مصرف برساند. آیا چهار میلیارد دلار در سال برای مصرف در دولت است؟ سود خوبی برای آمریکا خواهد داشت؟ سوال چهارم آیا خلبانان و سربازان صلاحیت های بیشتری خواهند داشت؟ سال گذشته رئیس جمهور اوامای به نیروهای ویسزه علمیات هسا، خلبانان و مشاورین آمریکایی برای تعقیب مخالفین دولت آزادی عمل بیشتری داد. در حالیکه در گذشته آنها فقط اجازه داشتند که هنگامی که نیروهای افغان مورد حمله قرار می گرفتند و با آنها برای دفاع از خود دست به اقدام بزنند، اما در حال حاضر

## چرا مذاکرات صلح به بن بست می رسد؟

حمایت و از مذاکره با مخالفان مسلح دولت استقبال کرده اند.

ولی باید توجه داشت که مردم همانطوری که از ناامنی و جنگ طولانی مدت خسته و بیزار شده اند، به همان میزان به آزادی و عدالت دلپسته هستند و آن را با نار و پوت وجود خود گره زده اند. مردم برای آزادی و عدالت سالها مبارزه کرده و در این راه میلیون ها قربانی داده اند؛ بنابراین تحت هیچ شرایطی حاضر نیستند، دستاورد های جدایی در راستای آزادی و عدالت در افغانستان را از دست بدهند.

از جانب دیگر مردم کشور خواهان صلح واقعی هستند و نه صلح ظاهری و موقتی که منبایش بر امتیازگیری و باج خواهی استوار باشد. صلح باید ریشه های اصل آزادی، تکررگری و عدالت را تقویت کند و گروه هایی که به روند صلح می پیوندند باید به قانون احترام داشته باشند و وحمت و همدلی مردم را مبنای سیاست ها و برنامه های خود قرار دهند.

از نظر مردم گروه ها تنها زمانی می توانند که به صلح آری بگویند که نظام سیاسی فعلی را به رسمیت بشناسند و بر زیست برابر و مسالمت آمیز با سایر شهروندان کشور تین دهند. بنابراین در مذاکرات صلح برخی اصول و ارزش هایی که در این سال ها مورد پذیرش قرار گرفته هرگز قابل گذشت و معامله نیستند. زیرا آن اصول و ارزش ها در واقع پایه و اساس نظام سیاسی و محور وحدت، همدلی و همزیستی مسالمت آمیز طیف های اجتماعی در افغانستان را تشکیل می دهند. نادیده گرفتن آنها به معنای برپای تمامی تلاش ها، فداکاری سال ها و ممتادی صورت گرفته و مسایلی که با هدر رفتن خون میلیون ها نفری است که جان شان را به منظور بارور ساختن درخت آزادی و عدالت فدا کرده اند.

پس صلح در چسوکات قانون و ارزش های دموکراتیک که تأمین کننده آزادی های اساسی، عدالت و برابری برای شهروندان باشد، خواست واقعی و همیشگی مردم را تشکیل می دهد. در حال حاضر روند صلح پیش از آن که بسر بنیاد عدالت و برابری و آزادیهای سیاسی استوار باشد، بر شیوه های امتیاز دهی و رشتنه پردازی استوار می باشد. فرهنگ امتیاز دهی اگر بخشی از مشکل را چاره سازی می کند، دهها مشکل دیگر را در بخش های دیگر خلق می کند. این شیوه نمی تواند به صلح واقعی منجر شود.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان

دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و

تنها سرمقاله بیانگر

دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

رضا احسانی



که طالبان نباید برای گفتگوهای صلح پیش شرط داشته باشند. این بدان معنا است که خود نیز پیش شرطی برای صلح ندارد. اما پیش شرطهایی که دولت افغانستان مطرح می کند، از تعهد به قانون اساسی گرفته تا حقوق بشری تا دستاوردهای گذشته همه مطرح هستند. حد اقل مردم افغانستان بدون این پیش شرط ها نمی توانند با طالبان به گفتگو بنشینند.

طالبان نیز پیش شرط های خود را دارند. پیش شرط هایی که برای دولت و مردم افغانستان سخت است تا به آنها تن دهد. آنچه امروز اهمیت دارد، آمادگی ذهنی طرف های درگیر و کشورهای صاحب نفوذ برای نشستن دور میز مذاکره است. این آمادگی در دولت افغانستان به شدت دیده می شود و اما در طرف طالبان با توجه به مشکلات و دسته بندی هایی که به وجود آمده است با شک و تردید نگر بسته می شود. کشورهای صاحب نفوذ بر طالبان و دولت افغانستان نیز سیاست های پیدا و پنهانی دارند که آینده مبهم و نامعلومی را برای روند صلح رقم می زنند.

مردم افغانستان نزدیک به چهاردهه را در ناامنی، جنگ، مهاجرت و خشنونت های گسترده دیگر گزارانده و ضرر و زیان جنگ را با تمام وجود خود احساس کرده اند. بنابراین جای شگفتی نخواهد بود که بگوییم، مردم افغانستان از جنگ، برادکشی و خونریزی و پیامدهای زانبار آن به ستوه آمده و خواهان صلح و آرامش در کشور می باشند. به همین دلیل شهروندان کشور همواره از روند صلح

صلح با طالبان معنایی ندارد و صلح باید به حکومت پاکستان صورت بگیرد، به این دلیل که حکومت پاکستان طالبان را کنترل می کند. در عین حال اظهار نظر های مقامات رسمی در مواردی چنین بیان می دارد که طالبان گروهی ناراضی و مخالف سیاسی دولت هستند که به دلایلی نظیر تقاضای و ضعف های دولت افغانستان و حضور خارجی ها با دولت سر مخالفت دارند و دست به اسلحه برده اند.

روند مذاکره و صلح با طالبان تا هنوز جریان ثابت و ادامه داری نداشته است. تناقض های آشکاری که در روند صلح با طالبان به چشم می خورد و راه رسیدن به موفقیت را مسدود ساخته، پروسه را به گونه فعلی و چنان که تا هنوز ادامه یافته، با شک و تردید های اساسی و بنیادی روپرو ساخته است.

دولت افغانستان در گفتگوهای صلح تجربه موفقی نداشته است. اما به هر صورت چندین دور تلاش هایی که به هدف آموختن گفتگوهای صلح برگزار شده است، بدون نتیجه پایان یافته است. طالبان هنوز هم با بدبینی به گفتگوهای صلح می نگرند و دولت افغانستان نیز با ناامیدی به این تلاش ها ادامه می دهد. مسئله دیگری که دولت افغانستان با آن روپرو است، عدم اجماع داخلی در مورد گفتگوهای صلح با طالبان است. دولت افغانستان همواره با این معضل روپرو بوده که نتوانسته در داخل دولت و کشور به اجماعی قوی برای روپرو شدن با طالبان برسد. دولت افغانستان همواره تأکید کرده است

کارتون روز

تکاه روز



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا

مدیر مسؤول: محمد رضا هویدا

سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری

مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷ - ۱۳۷